

امر به معروف ونهی از منکر از منظر تفاسیر المیزان،

مفاتیح الغیب و کشف

علی کربلایی پازوکی*

دانشیار معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فاطمه محرمی**

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه کوثر، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳)

چکیده

امر به معروف ونهی از منکر از احکام عملی مسلمانان است و آیات قرآن کریم آنان را به امر به معروف ونهی از منکر امر کرده است. امادر مورد قلمرو، شرایط و کیفیت وجوب این واجب الهی در بین گرایش های کلامی مطرح در دنیای اسلام اختلاف دیدگاه هایی وجود دارد. مذاهب امامیه، معتزله و اشاعره علی رغم شباهت در بعضی ویژگی های امر به معروف ونهی از منکر، تفاوت هایی در این مسئله با یکدیگر دارند. این امر، موجب شده همواره بین مفسران و متفکران این سه مذهب تضارب آراء در مورد ویژگی های امر به معروف ونهی از منکر وجود داشته باشد. تحلیل و نقد آراء کلامی و دیدگاه های این متکلمان و مفسران اسلامی، موجب تبیین راه حق می شود. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل محتوا و به شیوه تطبیقی به واکاوی مسئله امر به معروف ونهی از منکر در آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران و ۱۷ سوره لقمان از منظر سه مفسر برجسته اسلامی: علامه طباطبائی، فخر رازی و زمخشری، در تفاسیر المیزان، مفاتیح الغیب و کشف می پردازد. اگرچه مفسران فوق در اصل وجوب امر به معروف ونهی از منکر اتفاق نظر دارند و آن را اجماعی امت می دانند؛ اما در مورد کیفیت وجوب و شرایط آنها هم اختلاف دیدگاه دارند.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، المیزان، مفاتیح الغیب، کشف.

*. E-mail: karbalaei1383@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: moharrami.mf@gmail.com

مقدمه

تمام انبیای الهی با هدف اصلاح جامعه بشری مبعوث شده‌اند و یکی از مؤثرترین ابزارها برای رسیدن به هدف «امر به معروف و نهی از منکر» است. پیشینه این فریضه نه فقط به صدر اسلام بلکه فراتر از آن؛ یعنی به زمان بعثت اولین پیامبر الهی بر می‌گردد. در دنیای اسلام از همان ابتداء با نزول آیات «امر به معروف و نهی از منکر» پیامبر گرامی (ص) و اصحاب ایشان و همچنین پیشوایان معصوم (ع)، از امر به معروف و نهی از منکر در جهت پاسداری از اصول مکتب به عنوان مؤثرترین ابزار و نیز یک تکلیف الهی بهره گرفته‌اند. قرآن کریم در هفت آیه، امر به معروف و نهی از منکر را به صورت مستقیم ذکر کرده است. آیات ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴^۱ سوره مبارکه آل عمران، و ۱۵۷ اعراف^۲، ۷۱ توبه^۳، ۴۱ حج، ۱۷ لقمان^۴، در این آیات خداوند به اجرای این فریضه مهم دستور داده است. این پژوهش به بررسی سه آیه از هفت آیه؛ یعنی آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران ۱۷ سوره لقمان می‌پردازد. با توجه به تأثیرات ژرف اجتماعی سیاسی و فرهنگی امر به معروف و نهی از منکر در صحنه رفتار فردی و اجتماعی، بررسی آن از منظر تفاسیر مهم با گرایش‌های فکری متفاوت مفسرین آنها، موجب آشکار شدن ابعاد مسئله امر به معروف و نهی از منکر در ساحت اندیشه و تحقق آن در عرصه عمل می‌گردد. افزون بر این، پژوهشگران را در فهم بیشتر این فرضیه مهم یاری می‌رساند. علت انتخاب این سه آیه آن است که مفسران فوق

۱. وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ "آل عمران: ۱۰۴ .

۲. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ أَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ "آل عمران: ۱۱۰ .

۳. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ "آل عمران: ۱۱۴ .

۴. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْأَنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَهُم عَنِ الْمُنْكَرِ وَ ...

اعراف: ۱۵۷

۵. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ ... توبه: ۴۱ .

۶. يَا بَنِي آدَمِ الصَّلُوا وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ "لقمان: ۱۷ .

در ذیل این آیات عمدتاً به بیان حقیقت، شرائط، مراحل و موارد امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و دیدگاه خود را بیان کرده‌اند. از این رو این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و تفسیر متن با استناد به سه تفسیر المیزان، کشاف و مفاتیح الغیب، به تبیین و تطبیق مسئله امر به معروف و نهی از منکر از منظر علامه طباطبائی، فخر رازی و زمخشری می‌پردازد؛ تا اختلاف و اشتراک دیدگاه‌های آن‌ها مشخص شود. اگر چه در این مسئله کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است؛ اما نوشته‌ای که به بررسی تطبیقی امر به معروف و نهی از منکر از منظر سه مفسر بزرگ اسلامی؛ یعنی علامه طباطبائی، فخر رازی و زمخشری بپردازد یافت نشد. این پژوهش بعد از مفهوم شناسی و تبیین مسئله پژوهش به بررسی امر به معروف و... از دیدگاه سه مفسر بزرگ اسلامی؛ یعنی علامه طباطبائی، فخر رازی و زمخشری، پرداخته و سعی بر آن دارد که ضرورت و وجوب، اهمیت، شرایط، اقسام و مراتب امر به معروف و نهی از منکر را از دیدگاه سه مفسر فوق مورد بررسی تطبیقی قرار دهد.

مفهوم شناسی

مَعْرُوف در لغت، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده و مُنْكَر؛ یعنی چیزی که از نظر عقل و شریعت، به زشتی شناخته شده باشد.^۱ معروف و منکر دو مفهوم متقابل هستند.^۲ کارهایی که نیک و ارزشی یا زشت و ضد ارزش باشند، به ترتیب معروف و منکر نامیده می‌شوند.^۳ راه شناخت مصادیق این دو عنوان از طریق عقل و شرع بدست می‌آید.^۴ در اصطلاح نیز امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از واداشتن دیگران بر اموری که طاعت مولی است از قبیل امر به صلاه، صوم و...، و نهی از منکر عبارتست از بازداشتن دیگران از

۱. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۵۸:۶

۲. ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۹: ۲۳۹

۳. طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳: ۵۰۲

۴. همان، ج ۵: ۹۳

انجام معاصی مولی و یا کارهائی که مبعوض مولی است مثل منع از شرب خمر، ظلم، غیبت مؤمن و... امر به معروف و نهی از منکر پنجمین اصل در مذهب معتزله به شمار می رود.^۲

حقیقت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از والاترین و شریف ترین واجبات است که به وسیله آنها واجبات دیگر برپا می شود. این واجب از ضروریات دین به شمار می رود و هر کس منکر و جوب آن شد، از دایره اسلام خارج و کافر می باشد.^۳ بر آمر به معروف و نهی از منکر لازم است که هدفش از امر و نهی، خود نمایی و خود فروشی و تحمیل نظر خود نباشد، و الا منظور از امر به معروف و نهی از منکر، که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد است، حاصل نخواهد شد. بلکه گاهی امر به معروف انسان جاهل یا انسانی که از روی خواهش نفسانی و تصرف شیطانی دست به این کار می زند نتیجه معکوس حاصل خواهد شد و چندین منکر از آن بیرون می آید.^۴ در نتیجه حقیقت امر به معروف و نهی از منکر که از وجهه رحمت رحیمه الهیه و از ضروریات اسلام است در صورت رعایت شرایط آن سبب ارشاد جاهلان و غافلان و مانع از انجام منکرات و سبب اجرای احکام خداوند در جامعه و رسیدن مردم به سعادت می شود.

امر به معروف و نهی از منکر از منظر تفسیر المیزان

محمد حسین طباطبائی مفسر بزرگ شیعی در تفسیر المیزان فی التفسیر القرآن در تفسیر آیات امر به معروف و نهی از منکر به بیان حقیقت، ضرورت، اهمیت امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. در ذیل ابتدا به اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر پرداخته می شود.

۱. محمدی، ۱۳۷۸: ۶۰۰

۲. جمعی از اساتید و محققان، ۱۳۹۰: ۴۷۵

۳. موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۵۱

۴. موسوی خمینی، ۱۳۳۸: ۲۳۸

اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر

در ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» علامه امر به معروف و نهی از منکر را از لوازم و واجبات اجتماع معتصم به حبل الله می‌داند. در ذیل آیه ۱۹ سوره نساء^۱، معروف را به معنای هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و انکار نکنند و بدان جاهل نباشند تعریف کرده است.^۲ به نظر می‌رسد علامه (ره) وجوب را از فعل امر ولتکن اخذ کرده باشد.^۳ ایشان معتقد است، عمل در همه شؤون، دایر مدار علم است: هر زمان که علم یک علم صالحی باشد، عمل هم صالح می‌شود و هر زمان که علم فاسد باشد عمل هم فاسد می‌شود. خداوند تبارک و تعالی حال علم و عمل را در آیه زیر، به زمین و روئیدنی‌های آن مثال زده و فرموده است: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» بنابراین شکی نیست، در اینکه علم و عمل، اثری متقابل در یکدیگر دارند. قوی‌ترین داعی به عمل، علم است و وقتی عمل واقع شود و اثرش به چشم دیده شود، بهترین معلمی است که همان علم را به آدمی می‌آموزد و انگیزه برای اجتماع صالح می‌شود و افراد، اگر شخصی متخلف از آن علم را ببینند، وی را به سوی آن برمی‌گردانند و شخص منحرف را به حال خود واگذار نمی‌کنند و نمی‌گذارند آن فرد در پرتگاه منکر سقوط کرده، در مهلکه شر و فساد بیفتد و این همان دعوت به فراگیری و تشخیص معروف از منکر و امر به معروف و نهی از منکر است. لذا علامه طباطبائی امر به معروف و نهی از منکر را از لوازمات جامعه صالح

۱. وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ

۲ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۰۴

۳. همه در اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر متفق هستند و از امر در آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ...» و آیه: يَا بَنِي آدَمِ الصَّلَاةَ وَآمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ... و آیه: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ» به ضمیمه آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» استفاده کرده‌اند. قبلی هم با قطع نظر از ورود شرع، به وجوب عقلی امر بمعروف و نهی از منکر اشاره کرده است.

ایروانی، ۱۴۲۷ق: ۵۶۰

۴. اعراف: ۵۸

می‌داند. بنابراین تفرقه و جدایی افراد از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید است، زیرا وقتی یک قوم به یکدیگر نزدیک و مجتمع و مربوط باشند، عقایدشان به هم متصل و در آخر از راه تماس و تأثیر متقابل متحد می‌شوند.^۱ به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر و از منکر نهی می‌کند.

وجوب عینی یا کفایی

در رابطه با قول خداوند که می‌فرماید: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ در کلمه «من» احوال مختلف مطرح است برخی «من» را بیانیه و برخی تبعیضه می‌دانند. علامه می‌فرماید: در هر حال امر به معروف و نهی از منکر قائم به بعضی افراد جامعه است، نه همه آنها و خطابی که این وظیفه را تشریح می‌کند، اگر متوجه همان بعض باشد که هیچ، و اگر متوجه کل جامعه باشد، باز هم به اعتبار بعض است و به عبارتی دیگر، بازخواست و عقاب در تخلف این وظیفه، متوجه تک تک افراد است. ولی پاداش و اجرش از آن کسی است که وظیفه را انجام داده باشد. به همین جهت است که می‌بینیم در ادامه آیه خداوند می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» پس ظاهر قول آن است که، کلمه «من» تبعیضی باشد و در محاورات نیز اگر در مثل چنین ترکیبی و چنین کلامی، کلمه «من» به کار رفته باشد، ظاهرش همین است که برای تبعیض باشد مگر آنکه دلیلی در کلام باشد و دلالت کند بر اینکه معنای دیگری از این کلمه منظور است. علامه، امر به معروف و نهی از منکر را بر اساس همین آیه واجب عینی نمی‌داند و معتقد است که واجب کفایی است.^۳

۱. موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷۹

۲. آل عمران، ۱۰۴

۳. موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷۹

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

ذکر ایمان به خدا بعد از ذکر امر به معروف و نهی از منکر در آیه ۱۱۰ آل عمران: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» از قبیل ذکر کل بعد از جزء، و یا ذکر اصل بعد از فرع است، پس معنای آیه این گونه می شود که «شما گروه مسلمانان در ابتدای تکون و پیدایشتان برای مردم بهترین امت بودید». چون دو فریضه دینی یعنی؛ امر به معروف و نهی از منکر را انجام می دهید و با اتفاق کلمه و در کمال اتحاد به حبل الله چنگ می زنید و عیناً مانند تن واحدی هستید، اگر اهل کتاب هم مثل شما چنین وضعی را می داشتند برایشان بهتر بود. ولی چنین نبودند بلکه اختلاف کردند. بعضی ایمان آورده و بیشترشان فسق ورزیدند! در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که خداوند در آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» امت برتر را در گرو امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است و کلیت و گستردگی این شرافت بر امت اسلام، از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان، و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکر هستند.

علامه در آیه ۷۱ سوره توبه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» می نویسد: مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگر بوده و منافقین نقطه مقابل مؤمنین هستند و مردان و زنان مؤمن با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده دار هستند و به همین جهت است که هر کدام دیگری را به معروف امر و از منکر نهی می کند و این ولایت تا کوچکترین افراد اجتماع را در بر می گیرد لذا به خود اجازه می دهند هر یک، دیگری را به معروف واداشته و از منکر باز بدارد.^۲

۱. همان: ۵۸۳-۵۸۴

۲. همان، ج ۹: ۴۵۵

آیه ۱۷ سوره لقمان، «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۱ آیه شریفه، مربوط به پاره‌ای از دستورات، راجع به عمل و اخلاق پسندیده است. از جمله اعمال، نماز، که عمود دین است، و به دنبال آن امر به معروف و نهی از منکر آمده که در کنار نماز بیان شده و از جمله اخلاق پسندیده صبر در برابر مصائبی است که به آدمی می‌رسد.^۲

در آیه ۱۱۰، آل عمران «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» خطاب به سوره مؤمنان است و مراد از اخراج، اظهار است و منظور از کلمه «ناس» عموم بشر می‌باشد، به طوری که گفته‌اند فعل «کنتم» در خصوص این آیه منسلخ از زمان است. زیرا نمی‌خواهد بفرماید شما در زمان گذشته چنین بوده‌اید، بلکه می‌فرماید، شما چنین امتی هستید و کلمه «امت» که هم بر جماعت اطلاق می‌شود و هم بر فرد، از ماده «الف، میم، میم» به معنای قصد گرفته شده است. پس امت به معنای جمعیت یا فردی است که هدفی را دنبال می‌کند.

شرائط، اقسام و مراتب وجوب امر به معروف و نهی از منکر

علامه طباطبائی در رابطه با شرائط، اقسام و مراتب امر به معروف و نهی از منکر مطلبی را در تفسیر خویش ذکر نکرده‌اند.

علامه طباطبائی امر به معروف را واجب کفایی و از لوازم واجبات اجتماع صالح و متحد و معتصم به حبس الله می‌داند و می‌گوید عمل صالح، دایره مدار علم صالح است و معتقد است در اجتماع صالح اگر شخصی تخلف هم بنماید، دیگران او را به وسیله امر به معروف و نهی از منکر از ورطه فساد و هلاکت نجات می‌دهند و نمی‌گذارند در مهلکه فساد بیفتد. بیان علامه را در مورد امر به معروف و نهی از منکر به صورت خلاصه می‌توان این گونه بیان کرد. علامه معروف را هر کاری می‌داند که مردم اجتماع، آن را نیکو بشناسند و انکار نکنند. در چنین جامعه‌ای منکر همان

۱. لقمان/ ۱۷

۲. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۲۱۸

شر خواهد بود. وی لازمه عمل به معروف را علم می‌داند و به نقش متقابل علم و عمل در گسترش امر به معروف باور دارد. در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که خداوند امت برتر را در گرو امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده است.

امر به معروف و نهی از منکر از منظر تفسیر مفاتیح الغیب

فخر رازی از مفسران بزرگ اشاعره در تفسیر مفاتیح الغیب در ذیل آیات امر به معروف و نهی از منکر به بیان دیدگاه‌های تفسیری خود می‌پردازد که به اختصار بیان می‌شود.

اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر

فخر رازی به دو دلیل امر به معروف و نهی از منکر را بر همه واجب می‌داند: ۱- بر اساس «منکم» در آیه ۱۰۴ آل عمران، و می‌گوید "من" در "ولتکن منکم" بیانیه است. ۲- خداوند بر اساس آیه ۱۱۰ آل عمران امر به معروف و نهی از منکر را بر همه امت واجب کرده است.^۱

وجوب عینی یا کفایی

فخر رازی ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» در مورد کلمه "منکم" می‌گوید: دو قول وجود دارد. قول اول این که من برای تبعیض نیست به دو دلیل، اول این که خداوند تعالی امر به معروف و نهی از منکر را بر همه امتوسط آیه ۱۱۰ آل عمران «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» واجب کرد. دوماین که: هیچ مکلفی نیست مگر این که بر او امر به معروف و نهی از منکر یا به

۱. أن الله تعالى أوجب الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر على كل الأمة في قوله كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ [آل عمران/ ۱۱۰] و الثاني: هو أنه لا مكلف إلا و يجب عليه الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر. فخرالدین

دست یا به لسان یا به قلب واجب است و بر هر کسی دفع ضرر از خویش واجب است. در این جا کلمه من برای تبیین است نه برای تبعیض مانند قول خداوند متعال که می فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» از گفتار باطل (نیز) دوری نمایید و قول خداوند: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا» (توبه، ۴۱) سبکبار و گرانبار رهسپار شوید و قوله «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» اگر بسیج نشوید خداوند شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. [در این موارد] امر عام است سپس وقتی گروهی به این کار قیام کردند کفایت می کند و تکلیف از گردن بقیه ساقط می شود.^۳

قول دوم: «من» در آیه برای تبعیض است. معتقدان به این نظریه اختلاف کردند و دو قول دارند: یکی این که: فائده «من تبعیض» این است که گروهی که قادر به دعوت نیستند و نمی توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند مانند زنان و مریض ها و ناتوانان شامل آنها نمی شود. قول دوم: منظور از «من» تبعیض علما هستند که تکلیف مختص آنها است. نظر دوم از کسانی که من را تبعیضیه گرفتند: اجماع در وجوب است. و می گویند واجب کفایی است به این معنا که زمانی که بعضی به این کار قیام کردند تکلیف از گردن بقیه ساقط می شود و اگر به این معنا معتقد شدیم من بعضیه خواهد بود و درحقیقت بر بعضی واجب است نه بر همه و خدا عالم تر است.^۴ (والله اعلم)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران به سه تکلیف امر شده است: ۱- دعوت به خیر ۲- امر به معروف ۳- نهی از منکر، «يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» وجود عطف ها در آیه ایجاب می کند که هر سه با هم متغایر باشند. بنابراین می گوییم: برترین دعوت به خیر همان دعوت

۱. حج / ۳۰

۲. توبه / ۳۹

۳. فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۸: ۳۱۴

۴. همان: ۳۱۴-۳۱۵.

به اثبات ذات، صفات و منزّه نمودن از شبهه های ممکن برای خداوند است. شاهد آن نیز قول خداوند است که می فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»^۱ پس دعوت به خیر جنس است و تحت آن دو نوع وجود دارد یکی از آن دو نوع: تشویق در کاری که شایسته است که همان معروف است. دوم: تشویق به ترک فعلی که سزاوار نیست که همان نهی از منکر است. پس آیه ابتدا جنس را ذکر کرده سپس نوع آن را به دنبالش ذکر می کند که به جهت مبالغه در بیان است.^۲

فخر رازی در تبیین آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران می نویسد: آیه، مؤمنین را بر انقیاد و طاعت راهنمایی می کند و می گوید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» به معنای این است که شما در لوح محفوظ بهترین و برترین امت هستید، به این جهت خودتان را از این فضیلت دور و از این خصلت محموده محروم نکنید و علت برتری این امت بر امتهای سابق همان امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا است که موجب قرار گرفتن در زمره بهترین امتها است. از پیامبر (ص) نقل شده است که: هر کس، امر به معروف و نهی از منکر کند، خلیفه خدا در زمین و خلیفه رسول خدا و خلیفه کتاب خدا خواهد بود^۳ و از علی بن ابی طالب نقل شده است: برترین جهاد، امر به معروف و نهی از منکر است و همچنین فرمود: هر کس معروف و منکر را با قلبش نشناخت و از گون عمل خواهد کرد و علو و برتری را در جایگاه پستی قرار می دهد.^۴

۱. یوسف / ۱۰۸

۲. همان / ۳۱۶

۳. عن النبي صلى الله عليه وسلم: «من أمر بالمعروف ونهى عن المنكر كان خليفة الله في أرضه وخليفة رسوله وخليفة كتابه»، همان: ۳۱۵.

۴. أفضل الجهاد الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر وقال أيضاً: من لم يعرف بقلبه معروفاً ولم ينكر منكراً فكس وجعل أعلاه أسفل.

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

فخر رازی معتقد است: «آمر و ناهی، باید نسبت به معروف و منکر علم داشته باشند، به این معنا که دعوت به خیر، مشروط به دانستن خیر، معروف و منکر است و قطعاً جاهل به آن‌ها چه بسا به باطل دعوت و امر به منکر نماید و همین طور نهی از معروف کرده و یا در جایی که باید نرمی نشان دهد خشمگین شود، یا برعکس و یا با نهی انکار دوستش را بیشتر نماید و سبب گمراهی بیشتر او شود در نتیجه این تکلیف، متوجه علماء می‌شود و شکی نیست که علماء بعضی از امت هستند^۱ و مانند این آیه، قول خداوند است که می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ^۲»

وی در مورد شرط امر به معروف و نهی از منکر با توجه به آیه ۱۷ سوره لقمان می‌نویسد: «خداوند می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» معروف، در معرفت خدا، اعتقاد به وجود خدا و شناخت وی است و منکر، اعتقاد به وجود غیر خداست. علت امر به صبر در آخر آیه ۱۷ سوره لقمان از دیدگاه فخر رازی عبارت است از: «به جهت آزاری که به آمر به معروف و ناهی از منکر می‌رسد، خداوند امر به صبر کرده است. و «إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ یعنی اموری که عزمش واجب است یعنی قطعی است و در این جا مصدر به معنی مفعول است^۳». از این سخنان استفاده می‌شود آن است که آمر به معروف باید استطاعت علمی و عملی داشته باشد. ایشان در مورد قدرت آمر و ناهی می‌گوید:

۱. در مورد این که آیا معرفت شرط وجوب است یا واجب؟ مقتضای اطلاقات خطاب واجب را دربر می‌گیرد. بنابراین تعلم بر کسی که می‌داند در اجتماع معصیت و ترک اطاعت می‌شود واجب است. اما تعدادی از بزرگان معرفت را شرط وجوب می‌دانند به دلیل روایت مسعده بن صدقه از امام صادق(ع): "سئل عن المعروف و النهی عن المنکر: أوجب هو علی الامه جميعا؟ فقال: لا. فقيل له: ولم؟ قال: أنها هو علی القوى المطاع العالم بالمعروف من المنکر لاعلی الضعیف الذی لا یهدی سبیلا الی اى من اى یقول من الحق الی الباطل" اما سند روایت ضعیف است. ایروانی، ۱۴۲۷ق: ۵۶۲.

۲. توبه/ ۱۲۲

۳. فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۱۲۲.

«خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»^۱ امر به معروف و نهی از منکر کامل نمی‌شود مگر این که آمر به معروف قادر بر اجرای این تکلیف، بر علیه ظالمین و غلو کنندگان باشد و این قدرت حاصل نمی‌شود مگر هنگامی که الفت و محبت بین اهل حق و دین وجود داشته باشد. لاجرم خداوند از پراکندگی و اختلاف، برحذر داشت. زیرا به خاطر ناتوانی از قیام به این تکلیف امر به معروف و نهی از منکر صورت نمی‌گیرد.^۲ برخی به انتهای آیه «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳ تمسک می‌کنند و می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر بر فاسق واجب نیست زیرا آمر به معروف و ناهی از منکر جزء مفلحین و رستگاران و فاسق مفلح نیست پس واجب است آمر به معروف فاسق نباشد. این قول تأکید شده با قول خداوند که می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^۴ و آیه «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۵ زیرا اگر جایز باشد فاسق امر به معروف و نهی از منکر کند آیا جایز است زانی به زنی که با او عمل زنا انجام داده بگوید صورتت را بپوشان و مکشوف نکن؟ معلوم است که این عمل در نهایت قبح و زشتی است.

{ولی} علما می‌گویند: به نفع فاسق است امر به معروف کند زیرا ترک آن منکر بر او واجب و نهی از منکر نیز بر او واجب است. پس ارتکاب گناه دلیل بر آن نیست که واجب دیگر را ترک نماید. همچنین از گذشتگان رسیده است که می‌گفتند: امر به خیر کنی اگر چه خود انجام نمی‌دهی. مطرف بن عبدالله^۶ می‌گوید: چیزی را که انجام ندادم نمی‌گویم، سپس گفت: کدام یک

۱. آل عمران / ۱۰۵

۲. همان: ۳۱۶

۳. آل عمران / ۱۰۴

۴. توبه / ۴۴

۵. صف / ۳ و ۲

۶. مُطَرِّف بن عبدالله بن الشخیر، المتوفی سنة ۹۵ هـ، ابن عوف بن کعب بن وقدان بن حریش بن کعب بن ربیعہ بن عامر بن صعصعه، تابعی بصری، وأحد رواة الحديث النبوي، عثمان، و علی (ع) و ابوذر و ابی، هو محدث، ثقة، ورع. الدین سعد،

واقدی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۱۴۷

از ما آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد؟ شیطان دوست دارد با این کلمه بر شما پیروز شود و شما احدی را امر به معروف و نهی از منکر نکنید^۱.

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف به قلب، لسان و به ید می‌باشد و قویترین امر به معروف و نهی از منکر به وسیله قتال است زیرا نفس در خطر قتل قرار می‌گیرد^۲.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

صاحب کتاب مفاتیح الغیب در ابتدای تفسیر آیه ۱۰۴ آل عمران مراحل امر به معروف و نهی از منکر را از خفیف به شدید بیان می‌کند و دلیل آن را نیز آیه ۹ سوره حجرات ذکر می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَا إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ»^۳ اصلاح را بر قتال مقدم کرده است. آیه بیان می‌کند که شروع امر به معروف و نهی از منکر از مدارا شروع و به سخت و سخت تر باید برسد و همچنین خداوند متعال در آیه دیگر نیز مرحله امر به معروف و نهی از منکر را از خفیف به شدید بیان می‌فرماید: «فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ»^۴ دلالت بر آن دارد که ابتدا با وعظ و نصیحت، اگر انجام نشد با تغلیظ و تشدید نتیجه نداد با قهر به وسیله دست واجب می‌شود^۵.

۱. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۳۱۵

۲. همان: ۳۲۶

۳. حجرات/ ۹

۴. نساء/ ۳۴

۵ و کذا قوله تعالى: وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ (نساء، ۳۴) يدل على ما ذكرناه، ثم إذا لم يتم الأمر بالتغليظ والتشديد وجب عليه القهر باليد، فإن عجز فباللسان، فإن عجز فبالقلب، وأحوال الناس مختلفة في هذا الباب. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج

امر به معروف ونهی از منکر و حجیت اجماع

فخر رازی می‌نویسد: اصحاب ما به وسیله آیه ۱۱۰ آل عمران: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ...» احتجاج کردند که اجماع امت حجه است. او می‌گوید: امت در اصل، طائفه‌ای است که گرد هم بر چیز واحدی جمع شوند. امت نبی (ص) جماعتی هستند که به ایمان وصف شدند و به نبوت پیامبر (ص) اقرار دارند و گاهی هم گفته می‌شود: برای هر کسی که به دعوتش جمع شوند آن‌ها امت او هستند. پیامبر (ص) فرمود: " اُمّتی لا تجتمع علی ضلالة " امت من بر ضلالت اجتماع نمی‌کنند و همچنین فرمود: «روز قیامت اتمم اتمم» پس لفظ امت در این موضع و شبیه به این موضع مقرون به نبوت فهمیده می‌شود.^۱ البته به فرض صحت سند حدیث ایناستفاده فخر از آیه ۱۱۰ آل عمران زمانی صادق است که همه امت بر امری اجتماع کنند نه تنها گروه خاصی.

بیان فخر رازی را در مورد امر به معروف و نهی از منکر به صورت خلاصه می‌توان این گونه بیان کرد. وی امر به معروف و نهی از منکر را واجب شرعی می‌داند و شروطی همچون تکلیف، علم به معروف و منکر، واجب بودن معروف و منکر و تأثیر احتمالی را در آن دخیل می‌داند. وی علم را شرط امر به معروف دانسته و عدالت آمر و ناهی را نمی‌پذیرد و می‌گوید: جایز است فاسق امر به معروف و نهی از منکر کند. بعد از بیان اقوال مربوط به «من» در آیه ۱۰۴ آل عمران، قائل به تبعیضیه بودن آن نیست و با استناد به آیه ۱۱۰ آل عمران حجیت اجماع را استنباط می‌کند. در آیه ۱۷ لقمان معروف را شامل اعتقاد، معرفت و شناخت به خدا بیان کرده و منکر را اعتقاد به وجود غیر خدا می‌داند. امر به صبر در آیه به جهت آزاری که به آمر به معروف و ناهی از منکر می‌رسد، بیان کرده است.

امر به معروف و نهی از منکر از منظر تفسیر کشاف

محمود بن عمر زمخشری مفسر معتزلی در ذیل به بیان دیدگاه‌های تفسیری خود در مورد اهمیت، شرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد که در ادامه به بیان آن می‌پردازیم:

اصل وجوب امر به معروف و نهی از منکر

زمخشری با تمسک به آیه ۱۰۴ آل عمران که خداوند می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...» وجوب امر به معروف را ذکر می‌کند و معتقد است: امر به معروف و نهی از منکر صلاحیت پیدا نمی‌کند مگر این که آمر و ناهی نسبت به معروف و منکر علم داشته باشند و بدانند چگونه اقامه امر کنند و چگونه به آن مباشرت داشته باشند. زیرا جاهل چه بسا نهی از معروف و امر به منکر نماید و چه بسا شناخت به مذهب خویش داشته ولی نسبت به مذهب دوستش جاهل باشد در نتیجه او را نهی کند به چیزی که در نزد مذهب او منکر نباشد و جایی که باید نرم باشد خشمگین شود و در جایگاهی که باید تندی نشان دهد خشمگین شود بنابراین نهی او منجر به افزایش انکار منکرین حاصلی نداشته و یا عبث باشد^۱.

وجوب عینی یا کفایی

آیه ۱۰۴ سوره آل عمران «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» «مِنْ» را «مِنْ» تبعیضیه بیان می‌کند و از آن وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر را استخراج می‌کند و می‌گوید: این تبعیض و تنکیر «أُمَّةٌ»، نشانه قلت عاملین به امر به معروف و ناهیان از منکر است و خطاب خداوند مخصوص خواص جامعه است. این اسلوب را در آیه دیگر نیز می‌توان مشاهده می‌کرد مانند: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ

۱. لأنه لا يصلح له إلا من علم المعروف والمنكر، و علم كيف يرتب الأمر في إقامته وكيف يبشر، فإن الجاهل ربما نهى عن

معروف و أمر بمنكر زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۹۶.

لُنْتَظِرُ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُ لِغَدٍ» نکره بودن «نَفْسٌ»، توجه به کمی نظارت کننده بر آن است که چه توشه ای برای آخرت پیش می فرستد و یا آیه: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعْيَةٌ»^۲ مراد از «أُذُنٌ» شخص مخصوص، علی بن ابی طالب است. قول ضعیفی نیز می گوید: «من» بیانیه است. به معنی اینکه امتی باشید که امر می کنند و آن امت غیر از بقیه رستگارانند آن ها خاص ترین در رستگاری هستند.^۳ در مورد شرعی یا عقلی بودن امر به معروف و نهی از منکر اختلاف بین دو معتزلی را مطرح کرده و می گوید: ابوعلی وجوب آن را شرعی و عقلی می داند ولی ابوهاشم وجوب آن را شرعی می داند.^۴

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

محمود بن عمر زمخشری می گوید: «تقدم دعوت به خیر نسبت به امر به معروف در آیه شریفه «يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» به جهت عمومیت در تکالیف است چه در مورد انجام و چه در ترک تکالیف، ولی امر به معروف و نهی از منکر به صورت خاص آمده است. در این جا خداوند، خاص را بعد از عام قرار داده، تا فضیلت امر به معروف و نهی از منکر را بیان کند.^۵ مانند قول خداوند در «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^۶.

در مورد قسمت آخر آیه ۱۷ سوره لقمان زمخشری می نویسد: جایز است قول خداوند: «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» عام باشد در رابطه با هر آنچه که از رنج به انسان می رسد یا خاص باشد در مورد هر آنچه که رنج از امر به معروف و نهی از منکر به آمر به معروف و ناهی از منکر

۱. حشر / ۱۸

۲. حاقه / ۱۲

۳. زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۹۶-۳۹۷

۴. همان: ۳۹۷

۵. همان: ۳۹۸

۶. حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ بقره / ۲۳۸.

می‌رسد که آن از امور عظیمه و بزرگ است^۱. از پیامبر(ص) سؤال می‌کنند بهترین مردم چه کسی است؟ می‌فرمایند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و باتقواترین آن‌ها برای خداست^۲.

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

زمخشری ذیل این آیات در رابطه با اقسام امر به معروف و نهی از منکر مطلبی را بیان نکرده است.

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر از منظر زمخشری عبارت است از: ۱- شناخت معروف و منکر توسط آمر و ناهی ۲- امر به معروف و نهی از منکر، باید ضرر بزرگتر و بیشتر از منکر در پی نداشته باشد تا موجب انکار بیشتر شخص گردد. ۳- علم یا ظن قوی آمر و ناهی به تأثیر گفتار خود، ۴- امر و نهی موجب ضرر و زیان در جان و مال آمر و ناهی نگردد. ۵- شرط وجوب نهی از منکر آن است که شخص آماده وقوع، یا در حال وقوع بودن منکر باشد، مانند این که ناهی شرابخوار را ببیند که در حال آماده کردن وسائل خویش برای نوشیدن خمر است. پس هر مسلمانی که قدرت و شرائط آن را داشته باشد باید امر به معروف و نهی از منکر کند و اجماع کردند بر این که هرکس تارک الصلوتی را دید، بر او واجب است نهی از منکر نماید، زیرا قبح آن برای هر فردی معلوم است. اما نهی، به صورت قتال و جنگ، توسط امام و جانشینان او باید صورت گیرد، زیرا آن‌ها اولی به نهی هستند، به سیاست دانانتر و یاران زیادی دارند^۳.

۱. زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۹۷

۲. همان: ۳۹۷.

۳. همان: ۳۹۷-۳۹۸.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

زمخشری مراحل نهی از منکر را از ابتدا به سهل بیان می‌کند و می‌گوید: اگر سود نرساند به سختی نهی کند زیرا هدف، بازدارندگی از منکر است. خداوند متعال می‌فرماید: **وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا** «فاصلحوا بینهما» اصلاح کنید بین خودتان، سپس می‌فرماید: **«فَإِنْ بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا»** قتال کنید **«الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ»** و اگر دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ (و نزاع) پرداختند، پس میان آن دو صلح برقرار کنید و اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم (و تجاوز) کند، پس با آنکه ستم می‌کند، بجنگید، تا به فرمان خدا باز گردد. زیرا هدف از نهی از منکر، بازدارندگی از منکر است.

امر به معروف تابع تکلیف (مأمور به) است. اگر تکلیف واجب باشد پس امر به آن واجب می‌شود، اگر مستحب باشد امر به آن نیز مستحب خواهد بود. اما نهی از منکر به تمامه واجب است. زیرا ترک همه منکر واجب است به دلیل متصف شدن منکر به قبیح است.

زمخشری در مورد اینکه چه کسانی امر و نهی شوند، می‌گوید: «من یؤمر و ینهی؟ قلت: کل مکلف، و غیر المكلف إذا هم بضرر غیره مُنَع، كالصبيان و المجانین، و ینهی الصبيان عن المحرمات حتی لا یتعودوها، كما یؤخذون بالصلاة لیمرنوا علیها: همه مکلفان و غیر مکلفان، زمانی که ضرری به غیر وارد کنند منع می‌شوند، مانند بچه‌ها و مجنون‌ها و بچه‌ها از محرمات نهی می‌شوند تا مرتکب آن نشوند همانطور که کودکان امر به نماز می‌شوند تا تمرینی بر آن داشته و مهیا شوند».

ایشان همچنین معتقد است: «بر مرتکب منکر نیز واجب است نهی از منکر نماید زیرا ترک ارتکاب و نهی از آن، هر دو بر او واجب است و با ترک یکی از واجبه‌ها واجب دیگر ساقط نمی‌شود. از گذشتگان به ما رسیده است که: امر به خیر کنید اگر چه انجام ندهید. مطرف بن

عبدالله می گوید: آنچه را انجام نمی‌دهم، نمی‌گویم. پاسخی که به او داده شده آن است که: کدام یک از ما آنچه را می‌گوید انجام می‌دهد؟ شیطان دوست دارد احدی امر به معروف و نهی از منکر نکند و در این موقع به شما پیروز شده است!

بیان زمخشری را در مورد امر به معروف و نهی از منکر به صورت خلاصه می‌توان اینگونه بیان کرد که وی امر به معروف و نهی از منکر را با توجه به «من» در آیه ۱۰۴ آل عمران واجب کفایی می‌داند و معتقد است امر و ناهی باید معروف و منکر را خوب بشناسند و با نهی ناهی ضرر عظیمی پیش نیاید. مراحل اجرای آن را نیز بر اساس آیه ۱۰۴ آل عمران از آسان به سخت بیان کرده و می‌گوید: کسانی باید اقدام به این کار نمایند که قدرت بر آن داشته و شرائطش را نیز دارا باشند حکم امر به معروف و نهی از منکر را تابع تکلیف می‌داند و معتقد است همه مکلفان و غیر مکلفان می‌توانند امر و نهی شوند و کسی نیز که خود مرتکب منکر شده می‌تواند نهی از منکر کند. زمخشری در آیه ۱۱۰ آل عمران علت تقدم دعوت به خیر نسبت به امر به معروف و نهی از منکر را آن می‌داند که: خداوند خاص را بعد از عام قرار داده، تا فضیلت امر به معروف و نهی از منکر را بیان کند.

تحلیل مقایسه‌ای دیدگاه مفسران نسبت به امر به معروف و نهی از منکر

در مورد آیات امر به معروف و نهی از منکر علامه طباطبائی در المیزان، فخر رازی در مفاتیح الغیب و زمخشری در کشاف دارای دیدگاه‌های تفسیری مشترک و اختلافی هستند که به اختصار آن‌ها را بیان می‌کنیم.

الف: دیدگاه‌های مشترک در مورد امر به معروف و نهی از منکر

۱- مفسران فوق یکی از مهم‌ترین دلیل امت بهتر و برتر را به دلیل وجود فریضه امر به معروف و نهی از منکر در بین مسلمانان بیان کرده‌اند و این حقیقت را می‌توان از بیان خاص (امر به معروف)

بعد از عام (امر به ایمان و دعوت به خیر در آیات امر به معروف) دریافت. آیات امر به معروف فلاح و رستگاری امت را به این فریضه مهم تعلیل کرده‌اند.

۲- هر سه مفسر در رابطه با وجوب امر به معروف و نهی از منکر اتفاق نظر دارند.

۳- در اصل وجوب امر به معروف ونهی از منکر بین مفسرین فوق اتفاق نظر وجود دارد. اگر چه در مورد وجوب عینی و کفایی بودن آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

۴- علامه طباطبائی، امر به معروف و نهی از منکر را از لوازم واجب اجتماع صالح و متحد و معتصم به حبیل الله می‌داند که سبب گسترش محبت بین آنان می‌شود. فخر رازی اجرا بر امر به معروف و نهی از منکر را موجب الفت بیشتر بین اهل حق می‌داند.

۵- هر سه مفسر مراحل امر به معروف و نهی از منکر را از مراتب خفیف به شدید بیان می‌کنند.

۶- تفاسیر فوق امر به معروف ونهی از منکر را بر فاسق حتی فاعل منکر لازم می‌دانند. بنابراین عدالت در انجام این فریضه شرط نیست.

ب: دیدگاه‌های اختلافی در مورد امر به معروف ونهی از منکر

۱- فخر رازی با استناد به آیه ۱۱۰ آل عمران امر به معروف را بر همه امت واجب عینی می‌داند و در آیه «ولتکن منکم»، «من» را پس از ذکر اقوال مختلف، بیانیه می‌داند و می‌گوید امر عام است سپس زمانی که گروهی آن را اقامه کردند تکلیف از بقیه ساقط می‌شود. ولی زمخشری و علامه آن را «من» تبعیضیه و آن را واجب کفایی می‌دانند.

۲- علامه و زمخشری، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را عقلی و شرعی می‌دانند ولی فخر رازی وجوب آن را شرعی می‌داند.

۳- فخر رازی از افضلیت امت اسلامی بر سایر امت‌ها با وجود امر به معروف حتی بر امت موسی(ع) که هدایت به حق شده بودند، حجیت اجماع امت اسلامی را استفاده می‌کند.

نتیجه گیری

بررسی آیات موضوعی‌امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، فخررازی در تفسیر مفاتیح الغیب و زمخشری در تفسیر کشاف، نشان داد که آنان بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر و بکارگیری روش‌هایی در عمل به این فریضه در جهت اصلاح جامعه دینی در مسیر رشد و بالندگی افراد آن اتفاق نظر دارند. از دیدگاه این مفسران، امت برتر ارتباط تام و وثیقی با قیام به این فریضه دارد. به گونه‌ای که همواره باید از میان افراد جامعه گروهی مجهز به وسایل و ابزارهای مالی، علمی، فرهنگی و اجتماعی باشند تا بتوانند مردم را در سطح گسترده به خیر و نیکی دعوت کنند. عالمان دینی مسئولیت سنگین و ویژه‌ای در عملی کردن این واجب الهی بر عهده دارند. از جمله نتایج عمل کردن به این فریضه، تألیف قلوب مسلمانان و ازدیاد محبت و دوستی بین آنها است که به نوبه خود زمینه‌بهتری را برای اقامه امر به معروف در سطح فردی و اجتماعیمهیا می‌کند. آیات امر به معروف و نهی از منکر، فلاح و رستگاری امت را به انجام این فریضه مهم تعلیل کرده‌اند. مفسران فوق در مورد شروط امر به معروف و نهی از منکر معین نکرده‌اند که این شروط از باب شرط وجوب است مانند استطاعت برای حج یا از باب شرط واجب و مقدمه واجب است مانند وضوء برای نماز. در صورت اول یادگیری شروط و تحصیل آن بر مکلفان ضروری نیست اما در فرض دوم بر مکلفان یادگیری و تحصیل شروط از باب مقدمه واجب واجب است. البته از مفاد این تفاسیر استفاده می‌شود که مراد آنان از بیان این شروط، شرط وجوب است نه شرط واجب. مفسران فوق عدالت را در امر به معروف شرط نمی‌دانند، بنابراین امر به معروف و نهی از منکر بر فاسق نیز واجب است. در مورد وجوب عینی و کفایی امر به معروف و نهی از منکر، علامه‌هاز کلمه «ولتکن» وجوب امر به معروف و از کلمه «منکم» در آیه ۱۰۴ آل عمران وجوب کفایی آن را استفاده می‌کند. فخر رازی از آیه ۱۱۰ آل عمران وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر و در ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران وجوب کفایی آن را پذیرفته است اگرچه امر به آن را عام می‌داند ولی معتقد است با قیام گروهی از مردم این تکلیف از بقیه ساقط می‌شود. زمخشری نیز وجوب امر به معروف و نهی از منکر را کفایی و عقلی می‌داند و معتقد است تنکیر

«أُمَّةٌ»، نشانه قلت عاملين به امر به معروف و ناهيان از منكر است و خطاب خداوند مخصوص خواص جامعه است.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ه.ق). *لسان العرب*، بيروت، دار صادر.
- ايروانى، باقر. (۱۴۲۷ق). *دروس التمهيديه فى الفقه الاستدلالي على مذهب الجعفرى*، قم، دارالفقه للطباعة والنشر.
- جمعى از اساتيد و محققان، تحت اشراف آيه الله جعفر سبحانى. (۱۳۹۰). *دانشنامه كلام اسلامى*، قم، مؤسسه امام صادق(ع).
- خمينى، روح الله، *تحرير الوسيله*. (۱۳۶۸). ترجمه سيد محمد باقر موسوى همدانى، قم، دارالعلم.
- خمينى، روح الله. (۱۳۸۸). *آداب الصلاه*، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر امام خمينى(ره).
- راغب اصفهانى، حسين بن محمد. (۱۴۱۲ه.ق). *مفردات الفاظ قرآن*، بيروت دارالقلم.
- زمخشري، محمود. (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بيروت، دار الكتاب العربى.
- طباطبائى، محمد حسين. (۱۴۱۷) *الميزان فى تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین حوزه علميه قم.
- طريحي، فخرالدين. (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرين*، تهران، كتابفروشى مرتضوى.
- فخرالدين رازى ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتيح الغيب*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- محمدي، على. (۱۳۷۸). *شرح كشف المراد*، قم، دارالفكر.
- موسوى همدانى سيد محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه *تفسير الميزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین قم.

واقدی، محمد ابن سعد. (۱۳۶۵). *الطبقات الكبرى*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نو.